

ZABANWAY.IR

مرجع آموزش آنلاین زبان آلمانی

به نام ایران و خدای ایران

گرامر کامل زبان آلمانی

سطح A1.1 و A1.2

به زبانی ساده، روان و کاملاً کاربردی

بر اساس محتوای کتاب آموزشی

Starten wir

این جزوه توسط تیم Zabanway.ir تهیه شده است

www.zabanway.ir

این جزوه با هدف یاد دادن گرامر پایه‌ی زبان آلمانی، از صفر تا سطح A1.2، به زبانی ساده و روان و بدون پیچیدگی‌های آکادمیک آماده شده. سعی کردیم هر قانون گرامری رو با مثال‌های واقعی و کاربردی توضیح بدیم تا بتونید همون لحظه استفاده‌اش کنید، نه فقط حفظش کنید. محتوای این جزوه بر اساس ساختار و توالی آموزشی کتاب معروف **Starten wir** تنظیم شده، اما با زبانی خودمونی‌تر و مثال‌های بیشتر، طوری که برای فارسی‌زبان‌ها کاملاً قابل فهم باشه.

جزوه در دو بخش اصلی تنظیم شده:

- بخش اول (A1.1): از الفبا و افعال ساده شروع می‌شه تا برسیم به جملات امری و افعال وجهی مقدماتی.
- بخش دوم (A1.2): حالت **Dativ**، زمان گذشته‌ی **Perfekt**، حروف ربط، و مباحث تکمیلی‌تر رو پوشش می‌ده.

راهنمای استفاده از جزوه

در تمام مثال‌های این جزوه، جمله‌ی آلمانی به صورت چپ‌به‌راست (مطابق نوشتار لاتین) و ترجمه‌ی فارسی آن زیرش با علامت ← آورده شده تا خواندن و مقایسه راحت‌تر باشد.

برای بهروزرسانی خودکار فهرست زیر در Word، روی آن راست‌کلیک کرده و گزینه‌ی «بهروزرسانی فیلد» (Update Field) را انتخاب کنید.

۲	درباره‌ی این جزوه
۳	فهرست مطالب
۶	فصل ۱: حروف الفبا و تلفظ آلمانی
۶	حروف اضافی آلمانی (Umlaute)
۶	چند نکته‌ی تلفظی مهم
۷	فصل ۲: دو فعل طلایی — haben و sein
۷	فعل sein (بودن)
۷	فعل haben (داشتن)
۹	فصل ۳: صرف افعال در زمان حال (Präsens)
۹	الگوی کلی صرف افعال باقاعده
۹	افعال مهم دیگر با همین الگو
۹	افعال بی‌قاعده با تغییر مصوت (فقط در du و er/sie/es)
۱۱	فصل ۴: اسم، جنسیت اسم و حروف تعریف
۱۱	حروف تعریف معین (der / die / das)
۱۱	حروف تعریف نامعین (ein / eine)
۱۱	چند راهنمای کمکی برای حدس زدن جنسیت
۱۲	فصل ۵: جمع بستن اسم‌ها (Plural)
۱۳	فصل ۶: حالت‌های صرفی — Nominativ و Akkusativ
۱۳	Nominativ — فاعل جمله
۱۳	Akkusativ — مفعول مستقیم
۱۴	فصل ۷: ضمائر شخصی (Personalpronomen)
۱۵	فصل ۸: منفی کردن جمله — nicht و kein
۱۵	kein — برای نفی اسم‌های همراه با ein یا بدون حرف تعریف
۱۵	nicht — برای نفی فعل، صفت، قید یا اسم دارای حرف تعریف معین
۱۵	فصل ۹: اعداد (Zahlen)
۱۷	فصل ۱۰: حروف اضافه با Akkusativ

۱۸.....	فصل ۱۱: جملات پرسشی
۱۸.....	سوالات با کلمه‌ی پرسشی (W-Fragen)
۱۸.....	سوالات بله / خیر (Ja/Nein-Fragen)
۱۹.....	فصل ۱۲: ترتیب کلمات در جمله
۲۰.....	فصل ۱۳: افعال جدایی‌پذیر (trennbare Verben)
۲۱.....	فصل ۱۴: فعل‌های وجهی مقدماتی — können, müssen, möchten
۲۲.....	فصل ۱۵: جملات امری (Imperativ)
۲۳.....	فصل ۱۶: حالت Dativ
۲۳.....	حرف تعریف نامعین در Dativ
۲۳.....	افعال پرکاربردی که با Dativ می‌آیند
۲۴.....	فصل ۱۷: فعل‌های وجهی کامل
۲۴.....	تفاوت wollen, müssen, sollen
۲۵.....	فصل ۱۸: حروف اضافه با Dativ
۲۶.....	فصل ۱۹: حروف اضافه‌ی دوحالتی (Wechselpräpositionen)
۲۷.....	فصل ۲۰: ضمائر ملکی (Possessivartikel)
۲۷.....	فصل ۲۱: زمان گذشته Perfekt
۲۸.....	ساخت Partizip II افعال باقاعده
۲۸.....	Partizip II افعال بی‌قاعده (باید حفظ شوند)
۲۸.....	کدام فعل با haben و کدام با sein؟
۳۰.....	فصل ۲۲: حروف ربط (Konjunktionen)
۳۰.....	حروف ربط هم‌پایه (ترتیب کلمات تغییر نمی‌کند)
۳۰.....	حروف ربط وابسته‌ساز (فعل به آخر جمله می‌رود!)
۳۱.....	فصل ۲۳: صفت‌ها و مقایسه (Superlativ و Komparativ)
۳۲.....	فصل ۲۴: اعداد ترتیبی و تاریخ
۳۳.....	فصل ۲۵: ساعت (Uhrzeit)
۳۴.....	جمع‌بندی و قدم بعدی



بخش اول

گرامر پایه — سطح A1.1

فصل ۱: حروف الفبا و تلفظ آلمانی

زبان آلمانی از همان الفبای لاتین انگلیسی استفاده می‌کند، به‌علاوه‌ی چهار حرف اضافه که حسابی باید باهاشون آشنا بشید: ä, ö, ü و ß. این حروف تلفظ خاص خودشون رو دارن و توی خیلی از کلمات پرکاربرد آلمانی دیده می‌شن.

حروف اضافی آلمانی (Umlaute)

حرف	تلفظ فارسی	مثال
ä	بین «آ» و «اِ» - دهان کمی باز، مثل e کشیده	Mädchen (دختر)
ö	بین «او» و «اِ» - لب‌ها گرد، مثل او فرانسوی	schön (زیبا)
ü	بین «او» و «ای» - لب‌ها غنچه، صدا از جلوی دهان	über (بالای)
ß	مثل «س» تشدیددار (SS)	Straße (خیابان)

چند نکته‌ی تلفظی مهم

- حرف «w» مثل «و» فارسی تلفظ می‌شود، نه مثل w انگلیسی: Wasser (آب) → «واسا»
- حرف «v» معمولاً مثل «ف» تلفظ می‌شود: Vater (پدر) → «فاتا»
- حرف «z» مثل «تس» تلفظ می‌شود: Zeit (زمان) → «تسایت»
- ترکیب «sch» مثل «ش» فارسی است: Schule (مدرسه) → «شوله»
- ترکیب «ch» بعد از a, o, u مثل «خ» و بعد از e, i مثل «ش» نرم است: Buch (کتاب) → «بوخ»، ich (من) → «ایش»
- حرف «j» مثل «ی» فارسی است: ja (بله) → «یا»
- حرف «s» در ابتدای کلمه قبل از مصوت مثل «ز» تلفظ می‌شود: sagen (گفتن) → «زاگن»

نکته‌ی یادگیری

سعی نکنید همه‌ی این قوانین رو حفظ کنید! فقط با گوش دادن به پادکست‌ها و ویدیوهای آلمانی، به‌مرور گوشتون به این صداها عادت می‌کنه.

فصل ۲: دو فعل طلایی — haben و sein

اگره بخواهیم دو تا فعل رو اول از همه یاد بگیریم که کل جمله‌سازی آلمانی روشن سوار می‌شه، اون دو تا «sein» (بودن) و «haben» (داشتن) هستن. این دو فعل بی‌قاعده‌ان، یعنی از الگوی معمول پیروی نمی‌کنن و باید فرم‌هاشون رو حفظ کنید.

فعل sein (بودن)

ترجمه	ضمیر	فعل
من هستم	ich	bin
تو هستی	du	bist
او هست	er / sie / es	ist
ما هستیم	wir	sind
شما هستید (جمع، صمیمی)	ihr	seid
آن‌ها هستند / شما هستید (رسمی)	sie / Sie	sind

Ich bin müde.

← من خسته‌ام.

Wir sind Studenten.

← ما دانشجو هستیم.

Sind Sie Herr Müller?

← شما آقای مولر هستید؟

فعل haben (داشتن)

ترجمه	ضمیر	فعل
من دارم	ich	habe
تو داری	du	hast
او دارد	er / sie / es	hat
ما داریم	wir	haben
شما دارید (جمع، صمیمی)	ihr	habt
آن‌ها دارند / شما دارید (رسمی)	sie / Sie	haben

Ich habe einen Bruder.

← من یک برادر دارم.

Hast du Zeit?

← وقت داری؟

Sie haben zwei Kinder.

← آنها دو فرزند دارند.

نکته

Sie با حرف بزرگ = «شما»ی رسمی (مثل خطاب به رئیس یا غریبه). sie با حرف کوچک = «آنها» یا «او» (برای مؤنث).

فصل ۳: صرف افعال در زمان حال (Präsens)

خبر خوب اینه که بیشتر افعال آلمانی «باقاعده» هستن، یعنی یک الگوی ثابت دارن. کافیه ریشه‌ی فعل (مصدر منهای -en) رو نگه دارید و پسوند مخصوص هر ضمیر رو بهش اضافه کنید.

الگوی کلی صرف افعال باقاعده

مصدر فعل machen (انجام دادن) را در نظر بگیرید. ریشه‌ی فعل «mach-» است:

ضمیر	پسوند	فعل
ich	-e	mache
du	-st	machst
er / sie / es	-t	macht
wir	-en	machen
ihr	-t	macht
sie / Sie	-en	machen

افعال مهم دیگر با همین الگو

- wohnen (زندگی کردن، ساکن بودن) → ... ich wohne, du wohnst, er wohnt
- lernen (یاد گرفتن) → ... ich lerne, du lernst
- kommen (آمدن) → ... ich komme, du kommst
- spielen (بازی کردن) → ... ich spiele, du spielst
- arbeiten (کار کردن، ریشه به t/d ختم می‌شود) → ich arbeite, du arbeitest, er arbeitet — یک e اضافه قبل از st/t می‌آید تا تلفظ راحت‌تر شود

افعال بی‌قاعده با تغییر مصوت (فقط در du و er/sie/es)

گروهی از افعال پرکاربرد، فقط در دو صیغه‌ی du و er/sie/es مصوت ریشه‌شان تغییر می‌کند. باقی صیغه‌ها طبق الگوی معمولی هستند:

نوع تغییر	مصدر	du	er / sie / es
a → ä	fahren (رفتن با وسیله)	fährst	fährt
a → ä	schlafen (خوابیدن)	schläfst	schläft
au → äu	laufen (دویدن، راه رفتن)	läufst	läuft

er / sie / es	du	مصدر	نوع تغییر
spricht	sprichst	sprechen (صحبت کردن)	e → i
isst	isst	essen (خوردن)	e → i
liest	liest	lesen (خواندن)	e → ie
nimmt	nimmst	nehmen (گرفتن)	e → i
gibt	gibst	geben (دادن)	e → i

Er spricht Deutsch.

← او آلمانی صحبت می‌کند.

Du isst gern Pizza.

← تو دوست داری پیتزا بخوری.

Sie fährt nach Berlin.

← او (مؤنث) به برلین می‌رود.

نکته‌ی مهم

این تغییر مصوت فقط در du و er/sie/es اتفاق می‌افتد. صیغه‌های ich, wir, ihr, sie/Sie همیشه طبق ریشه‌ی اصلی صرف

می‌شن.

فصل ۴: اسم، جنسیت اسم و حروف تعریف

توی زبان آلمانی، برخلاف فارسی، هر اسمی یک «جنسیت دستوری» داره: مذکر، مؤنث یا خنثی. این جنسیت با حرف تعریفی که قبل از اسم میاد مشخص می‌شه. متأسفانه قانون قطعی برای حدس زدن جنسیت وجود نداره و باید جنسیت رو همراه با خود کلمه حفظ کنید.

حروف تعریف معین (der / die / das)

جنسیت	حرف تعریف	مثال
مذکر (maskulin)	der	der Mann (مرد)، der Tisch (میز)
مؤنث (feminin)	die	die Frau (زن)، die Lampe (چراغ)
خنثی (neutrum)	das	das Kind (بچه)، das Buch (کتاب)
جمع (Plural) — همیشه die	die	die Kinder، die Bücher

حروف تعریف نامعین (ein / eine)

جنسیت	حرف تعریف	معادل فارسی
مذکر	ein Mann	یک مرد
مؤنث	eine Frau	یک زن
خنثی	ein Kind	یک بچه

در حالت جمع، حرف تعریف نامعین اصلاً وجود ندارد؛ فقط خود اسم به‌صورت جمع می‌آید: Kinder (بچه‌ها) بدون هیچ حرف تعریفی.

چند راهنمای کمکی برای حدس زدن جنسیت

- اسم‌های پایان‌یافته به -e معمولاً مؤنث‌اند: die Lampe، die Blume (به‌جز چند استثنا مثل der Junge)
- اسم‌های پایان‌یافته به -chen یا -lein همیشه خنثی‌اند: das Mädchen (دختر)، das Brötchen (نان کوچک)
- اسم‌های پایان‌یافته به -ung، -heit، -keit، -schaft معمولاً مؤنث‌اند: die Zeitung (روزنامه)، die Freiheit (آزادی)
- اسم‌های روزها، ماه‌ها و فصل‌ها معمولاً مذکرند: der Montag، der Winter

نکته‌ی نگارشی

در آلمانی همیشه اسم‌ها با حرف بزرگ نوشته می‌شوند، حتی وسط جمله! این با انگلیسی فرق دارد: das Buch نه das buch.

فصل ۵: جمع بستن اسم‌ها (Plural)

برخلاف انگلیسی که معمولاً کافیه یک S به آخر کلمه اضافه کنید، آلمانی چند الگوی مختلف برای جمع بستن دارد. خبر خوب اینکه که این الگوها با تمرین و دیدن مثال‌های زیاد، خودتون جا می‌افتن.

الگو	علامت جمع	مثال
کلمات خارجی و مخفف‌ها	+s	das Auto → die Autos
بسیاری از اسم‌های مذکر	+e	der Tisch → die Tische
بسیاری از اسم‌های خنثی	+er	das Kind → die Kinder
بیشتر اسم‌های مؤنث	+ n / en	die Lampe → die Lampen
اسم‌های مذکر به -er, -en, -el	بدون تغییر (گاهی فقط اُمالوت)	der Lehrer → die Lehrer
برخی اسم‌های مذکر	بدون پسوند + اُمالوت	der Apfel → die Äpfel

نکته‌ی خیلی مهم: در حالت جمع، صرف‌نظر از جنسیت اصلی اسم، همیشه از حرف تعریف «die» استفاده می‌شود.

نکته

بهترین راه یادگیری جمع اسم‌ها اینه که هر کلمه‌ی جدید رو همراه با شکل جمعش حفظ کنید، مثلاً: das Buch, die Bücher — نه فقط تک‌کلمه‌ای.

فصل ۶: حالت‌های صرفی — Akkusativ و Nominativ

در آلمانی، اسم‌ها بسته به نقششون توی جمله «حالت» می‌گیرن، و همین باعث می‌شه حرف تعریف قبل از اسم تغییر کنه. دو حالت اول که یاد می‌گیریم Nominativ (فاعلی) و Akkusativ (مفعولی مستقیم) هستند.

Nominativ — فاعل جمله

Nominativ برای فاعل جمله (کسی/چیزی که کار را انجام می‌دهد) به کار می‌رود و همان حالتی است که در فصل ۴ یاد گرفتیم: **der**.
die, das, die (جمع).

Der Mann liest ein Buch.

← مرد یک کتاب می‌خواند. (فاعل = *der Mann*)

Akkusativ — مفعول مستقیم

Akkusativ برای مفعول مستقیم (کسی/چیزی که کار روی او انجام می‌شود) به کار می‌رود. تنها تغییری که رخ می‌دهد این است که **der** در حالت مذکر به **den** تبدیل می‌شود؛ **die**، **das** و جمع بدون تغییر می‌مانند.

حالت	مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
Nominativ (معین)	der	die	das	die
Akkusativ (معین)	den	die	das	die
Nominativ (نامعین)	ein	eine	ein	—
Akkusativ (نامعین)	einen	eine	ein	—

Ich sehe den Mann.

← من مرد را می‌بینم. (*der* → *den*)

Ich kaufe einen Apfel.

← من یک سیب می‌خرم. (*ein* → *einen*)

Sie liest die Zeitung.

← او روزنامه را می‌خواند. (*die* بدون تغییر)

Wir haben ein Auto.

← ما یک ماشین داریم. (*das* → *ein*) بدون تغییر در *Akkusativ*

نکته‌ی طلایی

فقط حرف تعریف مذکر تغییر می‌کند: **der** → **den** و **ein** → **einen**. بقیه‌ی حالت‌ها (مؤنث، خنثی، جمع) در Nominativ و Akkusativ کاملاً یکسان هستند. این یکی از ساده‌ترین بخش‌های دستور زبان آلمانیه، پس نگران نباشید!

فصل ۷: ضمایر شخصی (Personalpronomen)

ضمایر شخصی در آلمانی هم مثل اسم‌ها بسته به حالت (Nominativ یا Akkusativ) شکلشون عوض می‌شه:

Nominativ	Akkusativ	ترجمه
ich	mich	من / من را
du	dich	تو / تو را
er	ihn	او (مذکر) / او را
sie	sie	او (مؤنث) / او را
es	es	آن / آن را
wir	uns	ما / ما را
ihr	euch	شما (جمع) / شما را
sie / Sie	sie / Sie	آن‌ها-شما (رسمی) / را

Ich liebe dich.

← دوستت دارم.

Er kennt mich nicht.

← او مرا نمی‌شناسد.

Wir besuchen euch morgen.

← فردا به دیدن شما می‌آییم.

فصل ۸: منفی کردن جمله — kein و nicht

برای منفی کردن جمله در آلمانی، بسته به اینکه چه چیزی را منفی می‌کنید، از یکی از دو کلمه‌ی **kein** یا **nicht** استفاده می‌کنید.

kein — برای نفی اسم‌های همراه با ein یا بدون حرف تعریف

هر جا در جمله‌ی مثبت از **ein/eine** یا هیچ حرف تعریفی استفاده نشده، برای منفی کردن از **kein** به جای آن استفاده می‌کنید. **kein** هم مثل **ein** در حالت‌های مختلف صرف می‌شود:

حالت	مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
Nominativ	kein	keine	kein	keine
Akkusativ	keinen	keine	kein	keine

Ich habe einen Hund. → Ich habe keinen Hund.

← من سگ دارم. ← من سگ ندارم.

Das ist ein Problem. → Das ist kein Problem.

← این یک مشکل است. ← این مشکلی نیست.

nicht — برای نفی فعل، صفت، قید یا اسم دارای حرف تعریف معین

nicht معمولاً در انتهای جمله می‌آید، اما اگر بخواهیم یک کلمه‌ی خاص را نفی کنیم (مثل صفت یا قید)، درست قبل از آن کلمه قرار می‌گیرد:

Ich verstehe das nicht.

← من این را نمی‌فهمم.

Er kommt heute nicht.

← او امروز نمی‌آید.

Das Auto ist nicht teuer.

← این ماشین گران نیست.

Ich kenne den Mann nicht.

← من آن مرد را نمی‌شناسم. (اسم دارای **der** → با **nicht** نفی می‌شود)

قانون طلایی

قانون ساده: اگر بعد از فعل، اسمی با **ein**/بدون حرف تعریف بیاد، از **kein** استفاده کن. در بقیه‌ی موارد (فعل، صفت، اسم با **der/die/das**) از **nicht** استفاده کن.

فصل ۹: اعداد (Zahlen)

آلمانی	عدد	آلمانی	عدد
zehn	۱۰	null	۰
elf	۱۱	eins	۱
zwölf	۱۲	zwei	۲
dreizehn	۱۳	drei	۳
vierzehn	۱۴	vier	۴
zwanzig	۲۰	fünf	۵
dreißig	۳۰	sechs	۶
vierzig	۴۰	sieben	۷
hundert	۱۰۰	acht	۸
tausend	۱۰۰۰	neun	۹

نکته‌ی جالب: در آلمانی، عدد یکان قبل از دهگان گفته می‌شود! مثلاً عدد ۲۱ می‌شود einundzwanzig (یعنی «یک و بیست»).

21 = einundzwanzig

← یک و بیست

35 = fünfunddreißig

← پنج و سی

99 = neunundneunzig

← نه و نود

فصل ۱۰: حروف اضافه با Akkusativ

پنج حرف اضافه‌ی زیر همیشه با حالت Akkusativ می‌آیند، یعنی اسم بعد از آن‌ها باید در حالت Akkusativ صرف شود. یک ترفند رایج برای حفظ کردنشون، حرف اول کلمه‌هاست: FUDOG یا به فارسی «فودگ»: für, um, durch, ohne, gegen.

حرف اضافه	معنی	مثال
für	برای	Das ist für dich.
durch	از میان	Ich gehe durch den Park.
gegen	علیه، بر ضد	Wir sind gegen den Plan.
ohne	بدون	Er kommt ohne seinen Bruder.
um	دور، حدود، ساعت	Wir treffen uns um sieben Uhr.

ترفند حفظی

این حروف اضافه رو به این ترتیب حفظ کنید: für – um – durch – ohne – gegen. و به یاد داشته باشید که همیشه بعدشون Akkusativ میاد.

فصل ۱۱: جملات پرسشی

سوالات با کلمه‌ی پرسشی (W-Fragen)

این سؤال‌ها با یک کلمه‌ی پرسشی شروع می‌شوند و بلافاصله بعد از آن، فعل می‌آید:

کلمه‌ی پرسشی	ترجمه
wer	چه کسی
was	چه چیزی
wo	کجا
wann	کی
warum	چرا
wie	چگونه
wie viel(e)	چند تا / چه مقدار
wohin	به کجا

Wo wohnst du?

← کجا زندگی می‌کنی؟

Wann kommst du?

← کی می‌آیی؟

Was machst du?

← چه کار می‌کنی؟

سوالات بله/خیر (Ja/Nein-Fragen)

در این نوع سؤال، هیچ کلمه‌ی پرسشی وجود ندارد و به‌جای آن، فعل مستقیماً اول جمله می‌آید:

Kommst du morgen?

← فردا می‌آیی؟

Hast du Zeit?

← وقت داری؟

Sprechen Sie Deutsch?

← شما آلمانی صحبت می‌کنید؟

فصل ۱۲: ترتیب کلمات در جمله

مهم‌ترین قانون طلایی جمله‌سازی آلمانی این است: در جملات خبری، فعل صرف‌شده همیشه در جایگاه دوم جمله قرار می‌گیرد — نه لزوماً کلمه‌ی دوم، بلکه جزء دوم جمله.

جزء اول	فعل (جایگاه دوم)	بقیه‌ی جمله
Ich	lernt	.Deutsch
Heute lerne ich	lerne	.Deutsch
Morgen wir	fahren	.nach Berlin

همان‌طور که می‌بینید، حتی اگر جمله را با یک قید زمان مثل **heute** (امروز) یا **morgen** (فردا) شروع کنیم، باز هم فعل باید در جایگاه دوم بماند و فاعل به بعد از فعل منتقل می‌شود. این با ترتیب فارسی خیلی فرق دارد!

Ich gehe heute ins Kino.

← من امروز به سینما می‌روم.

Heute gehe ich ins Kino.

← امروز من به سینما می‌روم. (فعل باز هم دوم است)

یادآوری

در جملات پرسشی با کلمه‌ی پرسشی (...wo, was, wann) هم همین قانون برقرار است: کلمه‌ی پرسشی اول، فعل دوم، فاعل بعد از فعل.

فصل ۱۳: افعال جدایی‌پذیر (trennbare Verben)

بسیاری از افعال آلمانی از یک پیشوند + فعل ساده تشکیل شده‌اند و در زمان حال، این پیشوند از فعل جدا شده و به انتهای جمله می‌رود.

فعل کامل	معنی	مثال در جمله
aufstehen	بیدار شدن	Ich stehe um sieben Uhr auf.
anfangen	شروع شدن	Der Unterricht fängt um acht an.
anrufen	زنگ زدن	Ich rufe dich morgen an.
ankommen	رسیدن	Wir kommen um sechs an.
aufmachen	باز کردن	Mach bitte das Fenster auf.

همان‌طور که در مثال‌ها می‌بینید، خود فعل (stehe, fängt, rufe, kommen, mach) در جایگاه دوم می‌ماند، اما پیشوند جدا شده (auf, an, an, an, auf) به آخر جمله می‌رود.

نکته

پیشوندهای پرکاربرد جدایی‌پذیر: auf-, an-, aus-, ein-, mit-, zu-, weg-, fern. اگر تلفظ فعل با تأکید (استرس) روی پیشوند باشد، معمولاً جدایی‌پذیر است.

فصل ۱۴: فعل‌های وجهی مقدماتی — können، müssen، möchten

فعل‌های وجهی (Modalverben) مثل «می‌توانم»، «باید» و «می‌خواهم» در آلمانی رفتار خاصی دارند: خودشان صرف می‌شوند و در جایگاه دوم می‌آیند، اما فعل اصلی به شکل مصدر به انتهای جمله می‌رود.

ضمیر	(توانستن) können	(باید) müssen	(خواستن، مؤدبانه) möchten
ich	kann	muss	möchte
du	kannst	musst	möchtest
er/sie/es	kann	muss	möchte
wir	können	müssen	möchten
ihr	könnt	müsst	möchtet
sie/Sie	können	müssen	möchten

Ich kann gut schwimmen.

← من می‌توانم خوب شنا کنم.

Du musst jetzt gehen.

← تو باید الان بروی.

Ich möchte einen Kaffee.

← من یک قهوه می‌خواهم.

Wir möchten nach Hause gehen.

← ما می‌خواهیم به خانه برویم.

الگوی ساختاری

ساختار جمله با فعل وجهی: فاعل + فعل وجهی (جایگاه دوم) + ... + فعل اصلی به شکل مصدر (آخر جمله). این را «قاب فعلی» یا Verbklammer می‌گویند.

فصل ۱۵: جملات امری (Imperativ)

برای دستور دادن یا درخواست کردن، آلمانی سه شکل مختلف امری دارد که بسته به اینکه با چه کسی صحبت می‌کنید فرق می‌کند:

مخاطب	ساختار	مثال
du	ریشه‌ی فعل (گاهی با -e)	Komm bitte! (بیا لطفاً)
ihr	همان شکل ihr در زمان حال	Kommt bitte! (بیایید لطفاً)
Sie (رسمی)	Sie + مصدر	Kommen Sie bitte! (بفرمایید لطفاً)

Geh nach Hause!

← برو خانه!

Öffnet die Bücher!

← کتاب‌ها را باز کنید!

Setzen Sie sich, bitte.

← لطفاً بنشینید.

استثنا

فعل sein یک استثناست: Sei ruhig! (آرام باش!) / Seid ruhig! (آرام باشید!) / Seien Sie ruhig! (لطفاً آرام باشید!)

۲

بخش دوم

گرامر تکمیلی — سطح A1.۲

فصل ۱۶: حالت Dativ

سومین حالت صرفی که یاد می‌گیریم Dativ است — حالتی که معمولاً برای «مفعول غیرمستقیم» (به چه کسی، برای چه کسی) به کار می‌رود. مثلاً در جمله‌ی «کتاب را به او می‌دهم»، «او» در حالت Dativ قرار می‌گیرد.

حالت	مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
Nominativ	der	die	das	die
Akkusativ	den	die	das	die
Dativ	dem	der	dem	den (+n)

نکته: در Dativ جمع، به آخر اسم هم -n اضافه می‌شود (اگر از قبل s یا n نداشته باشد): den Kindern. den Frauen.

حرف تعریف نامعین در Dativ

حالت	مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
Dativ (نامعین)	einem	einer	einem	—

Ich gebe dem Mann das Buch.

← من کتاب را به آن مرد می‌دهم.

Sie hilft der Frau.

← او به آن زن کمک می‌کند.

Wir danken den Lehrern.

← ما از معلم‌ها تشکر می‌کنیم.

افعال پرکاربرد که با Dativ می‌آیند

- helfen (کمک کردن) → Ich helfe dir.
- danken (تشکر کردن) → Ich danke Ihnen.
- gefallen (خوش آمدن) → Das Buch gefällt mir.
- gehören (متعلق بودن) → Das Auto gehört meinem Vater.
- antworten (پاسخ دادن) → Ich antworte dem Lehrer.

نکته‌ی کلیدی

قانون کلی: der مذکر می‌شه die جمع می‌شه dem مؤنث می‌شه der، خنثی می‌شه dem. و die جمع می‌شه den (+n به اسم). این جدول رو حسابی تمرین کنید چون توی مکالمه‌ی روزمره خیلی زیاد استفاده می‌شه.

فصل ۱۷: فعل‌های وجهی کامل

در فصل ۱۴ سه فعل وجهی یاد گرفتیم. حالا بقیه‌ی فعل‌های وجهی مهم را با هم مرور می‌کنیم: dürfen (اجازه داشتن)، wollen (خواستن، با اراده‌ی قوی) و sollen (باید، طبق دستور دیگری).

ضمیر	dürfen	wollen	sollen
ich	darf	will	soll
du	darfst	willst	sollst
er/sie/es	darf	will	soll
wir	dürfen	wollen	sollen
ihr	dürft	wollt	sollt
sie/Sie	dürfen	wollen	sollen

Darf ich hier rauchen?

← اجازه دارم اینجا سیگار بکشم؟

Ich will heute nicht arbeiten.

← من امروز نمی‌خواهم کار کنم.

Du sollst mehr schlafen.

← باید بیشتر بخوابی. (توصیه‌ی کسی دیگر)

تفاوت wollen، müssen و sollen

- müssen = باید، اجبار درونی یا واقعی (Ich muss zur Arbeit gehen).
- sollen = باید، طبق دستور یا توصیه‌ی شخص دیگر (Der Arzt sagt, ich soll mehr trinken).
- wollen = می‌خواهم، اراده‌ی شخصی قوی (Ich will Deutsch lernen).
- möchten = می‌خواهم، به شکل مؤدبانه‌تر (Ich möchte einen Tee, bitte).

فصل ۱۸: حروف اضافه با Dativ

حروف اضافه‌ی زیر همیشه با حالت Dativ می‌آیند:

حرف اضافه	معنی	مثال
mit	با (وسیله/همراهی)	Ich fahre mit dem Bus.
bei	نزد، پیش	Ich wohne bei meinen Eltern.
nach	بعد از / به سمت	Nach der Schule gehe ich nach Hause.
von	از (طرف)	Das Geschenk ist von meiner Mutter.
zu	به سوی، پیش	Ich gehe zu meinem Freund.
aus	از (مبدأ)	Ich komme aus dem Iran.
seit	از ... به بعد (زمان)	Seit einem Jahr lerne ich Deutsch.

ترفند حفظی

ترفند حفظی: mit – bei – nach – von – zu – aus
– seit. یک جمله‌ی کمکی برای حفظ کردن ترتیب این حروف بسازید و چند بار با صدای بلند تکرار کنید.

نکته: bei dem معمولاً کوتاه می‌شود به beim، و zu dem به zum، و zu der به zur. این اشکال کوتاه‌شده در مکالمه‌ی روزمره خیلی رایج‌اند.

Ich bin beim Arzt.

← من پیش دکتر هستم. (bei + dem)

Wir gehen zum Supermarkt.

← ما به سوپرمارکت می‌رویم. (zu + dem)

فصل ۱۹: حروف اضافه‌ی دوحالتی (Wechselpräpositionen)

این نه حرف اضافه، بسته به موقعیت جمله، گاهی با Akkusativ و گاهی با Dativ می‌آیند. قانون ساده اینه: اگه حرکت و مقصد (به کجا؟) مطرحه → Akkusativ. اگه محل ثابت (کجا؟) مطرحه → Dativ.

- in (در/تو)
- an (کنار، نزدیک، روی سطح عمودی)
- auf (روی سطح افقی)
- über (بالای)
- unter (زیر)
- vor (جلوی)
- hinter (پشت)
- neben (کنار)
- zwischen (بین)

حرف اضافه	Dativ → محل ثابت (Wo?) مثال	Akkusativ → حرکت (Wohin?) مثال
in	Ich bin in der Küche.	Ich gehe in die Küche.
auf	Das Buch liegt auf dem Tisch.	Ich lege das Buch auf den Tisch.
an	Das Bild hängt an der Wand.	Ich hänge das Bild an die Wand.
unter	Die Katze sitzt unter dem Stuhl.	Die Katze läuft unter den Stuhl.

Wohin gehst du? — Ich gehe ins Kino.

← کجا می‌روی؟ — به سینما می‌روم. (حرکت → Akkusativ)

Wo bist du? — Ich bin im Kino.

← کجایی؟ — در سینما هستم. (محل ثابت → Dativ)

قانون طلایی

سؤال «Wohin؟» (به کجا) = Akkusativ | سؤال «Wo؟» (کجا) = Dativ. این ساده‌ترین راه برای تشخیص حالت درست است. همچنین in + das = ins و in + dem = im، آشکال کوتاه‌شده‌ی خیلی رایج.

فصل ۲۰: ضمایر ملکی (Possessivartikel)

ضمایر ملکی مثل «مال من»، «مال تو» هم مثل ein در حالت‌های مختلف صرف می‌شوند (به آن‌ها ein-Wörter هم می‌گویند):

ضمیر شخصی	ضمیر ملکی (پایه)	ترجمه
ich	mein	مال من
du	dein	مال تو
er	sein	مال او (مذکر)
sie	ihr	مال او (مؤنث)
wir	unser	مال ما
ihr	euer	مال شما (جمع)
sie / Sie	ihr / Ihr	مال آن‌ها / مال شما (رسمی)

این ضمایر پایه، دقیقاً مثل ein در Nominativ، Akkusativ و Dativ صرف می‌شوند و پسوند مناسب هر حالت را می‌گیرند:

حالت	مثال با mein -
Nominativ	mein Vater, meine Mutter, mein Kind, meine Eltern
Akkusativ	Ich sehe meinen Vater / meine Mutter / mein Kind.
Dativ	/ Ich helfe meinem Vater / meiner Mutter. meinen Eltern

Das ist mein Bruder.

← این برادر من است.

Ich rufe meine Schwester an.

← به خواهرم زنگ می‌زنم.

Wir wohnen bei unseren Großeltern.

← ما پیش پدر بزرگ‌مادر بزرگمان زندگی می‌کنیم.

فصل ۲۱: زمان گذشته Perfekt

رایج‌ترین زمان گذشته در مکالمه‌ی روزمره‌ی آلمانی، Perfekt است (نه Präteritum که بیشتر در نوشتار رسمی به کار می‌رود). Perfekt از دو بخش تشکیل می‌شود: فعل کمکی haben یا sein (صرف‌شده، جایگاه دوم) + Partizip II فعل اصلی (شکل سوم فعل، انتهای جمله).

ساخت Partizip II افعال باقاعده

الگو: ge + ریشه‌ی فعل + t

مصدر	Partizip II
machen	gemacht
lernen	gelernt
spielen	gespielt
arbeiten (چون ریشه به t ختم می‌شود، et می‌گیرد)	gearbeitet
wohnen	gewohnt

Partizip II افعال بی‌قاعده (باید حفظ شوند)

ترجمه	مصدر	Partizip II
رفتن	gehen	gegangen
رفتن (با وسیله)	fahren	gefahren
دیدن	sehen	gesehen
خوردن	essen	gegessen
نوشیدن	trinken	getrunken
گرفتن	nehmen	genommen
خوابیدن	schlafen	geschlafen
آمدن	kommen	gekommen
بودن	sein	gewesen
داشتن	haben	gehabt

کدام فعل با haben و کدام با sein؟

- اکثر افعال با haben صرف می‌شوند (قانون پیش‌فرض).
- افعالی که حرکت با تغییر مکان را نشان می‌دهند، با sein می‌آیند: ... gehen, fahren, kommen, fliegen
- افعالی که تغییر حالت را نشان می‌دهند هم با sein می‌آیند: aufstehen (بیدار شدن)، einschlafen (به‌خواب رفتن)، werden (شدن)

- دو استثنای مهم: sein و bleiben (ماندن) هم با sein صرف می‌شوند، با اینکه حرکتی نیستند.

Ich habe gestern Deutsch gelernt.

← من دیروز آلمانی یاد گرفتم.

Wir sind letzte Woche nach Berlin gefahren.

← ما هفته‌ی پیش به برلین رفتیم.

Er ist um sechs Uhr aufgestanden.

← او ساعت شش بیدار شد.

Hast du das Buch gelesen?

← آن کتاب را خوانده‌ای؟

نکته‌ی مهم

افعال جدایی‌پذیر در Partizip II، ge- را بین پیشوند و فعل می‌گیرند: aufstehen → aufgestanden، anrufen → angerufen. افعالی هم که با be-, ge-, er-, ver-, zer-, ent-, emp- شروع می‌شوند، اصلاً ge- نمی‌گیرند: besuchen → besucht

فصل ۲۲: حروف ربط (Konjunktionen)

حروف ربط هم‌پایه (ترتیب کلمات تغییر نمی‌کند)

این حروف دو جمله‌ی مستقل را به هم وصل می‌کنند، بدون اینکه در ترتیب کلمات تغییری ایجاد کنند (فعل هنوز جایگاه دوم است):

حرف ربط	معنی	مثال
und	و	Ich lerne Deutsch und Englisch.
oder	یا	Möchtest du Tee oder Kaffee?
aber	اما	Ich bin müde, aber ich muss arbeiten.
denn	چون (بعد از یک جمله‌ی کامل)	Ich bleibe zu Hause, denn ich bin krank.

حروف ربط وابسته‌ساز (فعل به آخر جمله می‌رود!)

این حروف، جمله‌ی پایه را به یک جمله‌ی پیرو وصل می‌کنند و قانون خاصی دارند: در جمله‌ی پیرو، فعل صرف‌شده به انتهای جمله منتقل می‌شود.

حرف ربط	معنی	مثال
weil	چون (فعل به آخر می‌رود)	Ich bleibe zu Hause, weil ich krank bin.
dass	که	Ich weiß, dass er Deutsch spricht.
wenn	اگر / هر وقت	Wenn es regnet, bleibe ich zu Hause.
dass	که (بعد از افعال باور)	Ich glaube, dass sie recht hat.

نکته‌ی کلیدی

مقایسه کنید: «Ich bleibe zu Hause, denn ich bin krank»
«Ich bin krank» (فعل bin وسط جمله) در برابر «Ich bleibe zu Hause, weil ich krank bin» (فعل bin به انتهای جمله رفته).
denn و weil معنی مشابهی دارند اما ساختار جمله‌شان کاملاً فرق می‌کند!

فصل ۲۳: صفت‌ها و مقایسه (Superlativ و Komparativ)

برای مقایسه‌ی دو چیز یا بیان برترین حالت یک صفت، الگوی زیر را به کار می‌بریم:

صفت پایه	Komparativ (تر)	Superlativ (برترین)
schnell (سریع)	schneller	am schnellsten
schön (زیبا)	schöner	am schönsten
groß (بزرگ)	größer	am größten
(خوب) — بی‌قاعده gut	besser	am besten
(زیاد) — بی‌قاعده viel	mehr	am meisten

Berlin ist groß. München ist größer. Aber Tokyo ist am größten.

← برلین بزرگ است. مونیخ بزرگ‌تر است. اما توکیو بزرگ‌ترین است.

Dieses Auto ist besser als das andere.

← این ماشین بهتر از آن یکی است.

برای مقایسه از **als** (نسبت به) و برای برابری از **so...wie** (به اندازه‌ی) استفاده می‌شود: **Er ist so groß wie ich.** (او به اندازه‌ی من قد بلند است.)

فصل ۲۴: اعداد ترتیبی و تاریخ

برای ساخت اعداد ترتیبی (اول، دوم، سوم...) از اعداد ۱ تا ۱۹، پسوند -te و از ۲۰ به بالا پسوند -ste اضافه می‌شود:

ترتیبی	آلمانی	ترتیبی	آلمانی
هفتم	der siebte	اول	der/die/das erste
هشتم	der achte	دوم	der zweite
نهم	der neunte	سوم	der dritte
دهم	der zehnte	چهارم	der vierte
بیستم	der zwanzigste	پنجم	der fünfte
سی‌ویکم	der einunddreißigste	ششم	der sechste

برای گفتن تاریخ، از am همراه با عدد ترتیبی (به‌علاوه‌ی n- در پایان) استفاده می‌شود:

Mein Geburtstag ist am dritten Mai.

← تولد من سوم مه است.

Heute ist der 15. (fünfzehnte) September.

← امروز پانزدهم سپتامبر است.

فصل ۲۵: ساعت (Uhrzeit)

در آلمانی دو روش برای گفتن ساعت وجود دارد: روش رسمی (مثل اعلانات، جدول‌های زمانی) و روش محاوره‌ای که در مکالمه‌ی روزمره به کار می‌رود.

ساعت	روش رسمی	روش محاوره‌ای
۹:۰۰	neun Uhr	neun Uhr
۹:۱۵	neun Uhr fünfzehn	Viertel nach neun
۹:۳۰	neun Uhr dreißig	halb zehn
۹:۴۵	neun Uhr fünfundvierzig	Viertel vor zehn
۹:۰۵	neun Uhr fünf	fünf nach neun

هشدار مهم

مهم‌ترین نکته‌ی گیج‌کننده برای فارسی‌زبانان: «halb»
«zeh» یعنی «نیم به ده» یعنی ۹:۳۰، نه ۱۰:۳۰! چون
halb به معنای «نیمی که مانده تا ساعت بعدی» است،
نه نیم بعد از ساعت قبلی.

Wie spät ist es? — Es ist halb drei.

← ساعت چند است؟ — ساعت دو و نیم است.

Der Zug fährt um Viertel nach acht.

← قطار ساعت هشت و نیم ربع حرکت می‌کند.

تبریک می‌گیریم که تا اینجا جزوه رو دنبال کردید! حالا با پایه‌ی محکمی از گرامر سطح A۱ زبان آلمانی آشنا هستید — از صرف افعال ساده و حالت‌های صرفی گرفته تا زمان گذشته و جمله‌های پیچیده‌تر با حروف ربط.

گرامر فقط با تمرین مداوم جا می‌افته. سعی کنید هر روز چند جمله با ساختارهایی که یاد گرفتید بسازید، به پادکست یا موسیقی آلمانی گوش بدید، و در صورت امکان با یک هم‌زبان یا معلم تمرین مکالمه داشته باشید.

برای ادامه‌ی مسیر یادگیری، دوره‌های کامل و تعاملی زبان آلمانی را در آدرس زیر دنبال کنید:

www.zabanway.ir